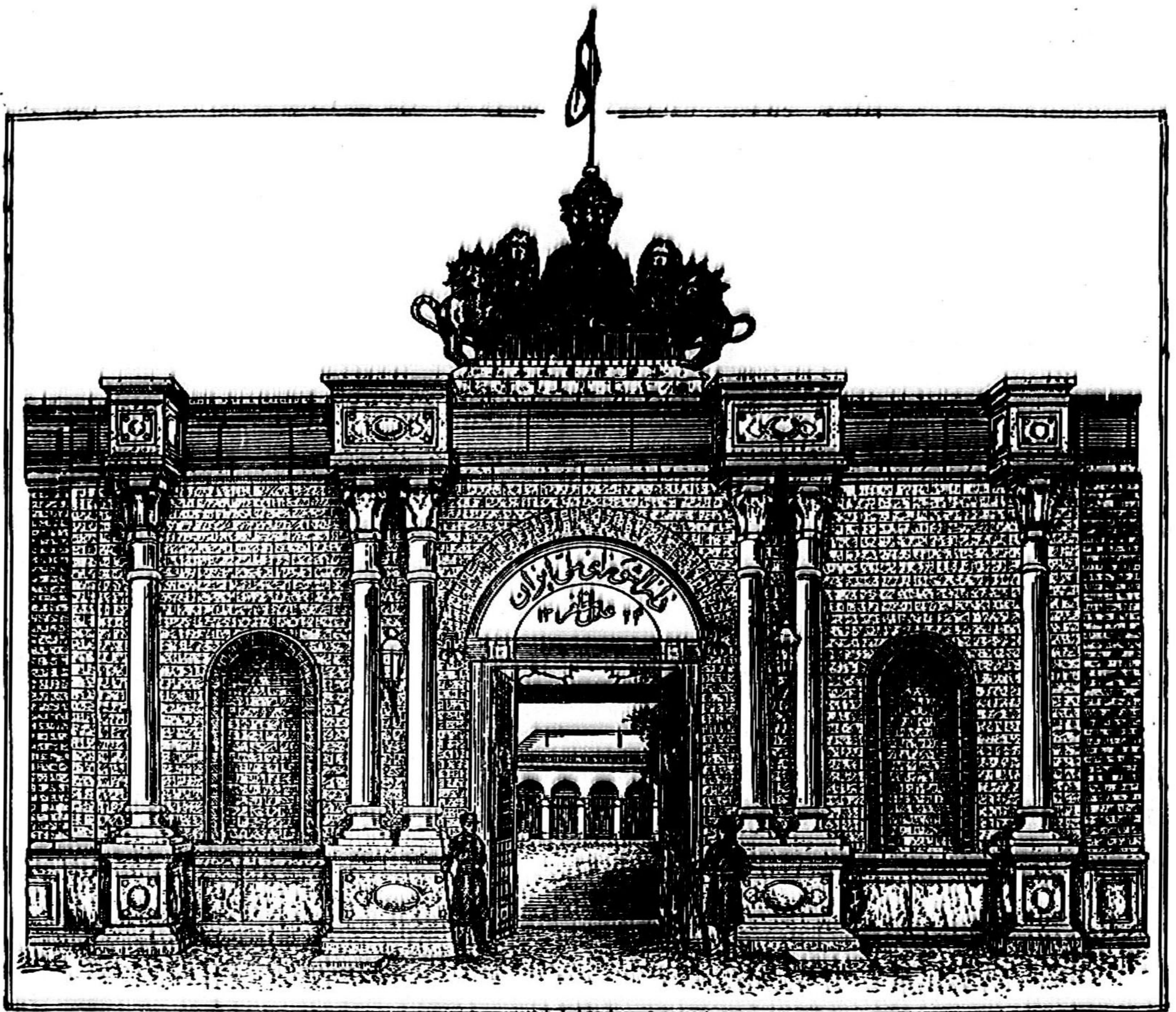


دوره ششم تقنینیه

| | | |
|--|---|---|
| <p>جلسه ۱۴۵</p> | <h1>مذاکرات مجلس</h1> | <p>شماره ۱۱۰</p> |
| <p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۲۸ شهریور ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۳ ربیع الاول ۱۳۴۶</p> | <p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p> | <p>قیمه اشتراك داخله ایران سالبانه ده تومان خارج « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p> |

فهرست مندرجات

| شماره | عنوان | از صفحه | الی صفحه |
|-------|--|---------|----------|
| ۱ | تصویب مرخصی آقایان زعیم - روحی | ۲۲۷۵ | ۲۲۷۶ |
| ۲ | تقدیم طرح قانونی راجع به اضافه تبصره به قانون منع صدور تذکره برای مسافرت بمراقب صرب و ارجاع آن به کمیسیون داخله | ۲۲۷۶ | ۲۲۸۱ |
| ۳ | تصویب قانون راجع با اجازه نامه طبابت | ۲۲۸۱ | ۲۲۸۵ |
| ۴ | بقیه شور ثانی راجع بقانون بلدی از ماده ۱۰ تا ۱۵ | ۲۲۸۵ | ۲۲۹۴ |
| ۵ | قانون راجع با اجازه نامه طبابت | ۲۲۹۵ | |



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۲۸ شهریورماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۳ ربیع الاول ۱۳۴۶

جلسه ۱۴۵

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر برپاست)
 آقای پیرنیا تشکیل گردید
 (صورت مجلس بکتابخانه بیست و ششم شهریور را
 آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

(غائبین با اجازه جلسه قبل)
 آقایان: دکتر سنگ - عراقی - امام جمعه شیراز
 خطیبی - میرزا رضا خان افشار - سید ابراهیم ضیاء
 آقا علی زارع - آقا رضا مهدوی - عباس میرزا -

غلامحسین میرزا مسعود - فرمند - میرزا حسین خان وزیر - طباطبائی وکیل - نفع الاسلامی - اسکندری عدل - جوالمشیر - میرزا ابراهیم آشتیانی - ملک آرائی حاج شیخ عبد الرحمن - آیت الله زاده اصفهانی - دکتر لغمان -

(غائبین بی اجازه جلسه قبل)

حاج آقارضا رفیع - محمد ولی خان اسدی - علی خان اعظمی - نظام مافی - باسائی - حشمتی - قوام شیرازی - محمد هاشم میرزا افسر - آقا زاده سبزواری حاج حسن آقا ملک - محمد ولی میرزا - فرش - حاج میرزا مرتضی - حاج غلامحسین ملک - زعیم - امیر اسد الله خان عامری

(دیر آمدهگان با اجازه جلسه قبل)

آقایان: نو بخت - مرتضی قلیخان بیات - سلطان ابراهیم خان الحمی

(دیر آمدهگان بی اجازه جلسه قبل)

آقایان: سهراب خان - جلالی - امیر حسین خان ایلخان - دشتی - میرزا محمد تقی بهار - میرزا حسن خان وثوق -

رئیس - صورت مجلس ابرادی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

رئیس - خبر کمیسیون عرابض راجع برخصی آقای

زعیم قرائت میشود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

نماینده محترم آقای زعیم از پاریس بواسطه شدت کسالت خود از تاریخ بیستم امرداد دو ماه دیگر تقاضای تمدید مرخصی نموده و ضمناً تصدیق یکی از سربخانهای مهم پاریس را فرستاده اند: چون تصدیق مزبور برای نماینده محترم مزبور عذر موجه بوده لهذا کمیسیون مرخصی دو ماهه ایشانرا تصویب و راپورت آنرا تقدیم مینماید.

نظر ایشان تأمین نمیشود. بالاخره ایشان این ده روزرا مباحثات کنند تا بعد.

رئیس - رأی گرفته میشود به مرخصی ده روزه آقای روحی. آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. چند روز قبل خبر کمیسیون مرخصی راجع به رد تقاضای مرخصی ده روزه آقای مولوی رد شد ولی تکلیف آن تقاضا معلوم نشد حالا باید يك رأی دیگر گرفته شود. آقای دیبا

طباطبائی دیبا - سابقه مطلب این است همینکه خبر کمیسیون رد شد اجازه ثابت است و عمل سابق اینطور بوده است.

رئیس - گمان میکنم این سابقه خون نباشد. يك دفعه دیگر رأی میگیریم آقایانیکه مرخصی ایشانرا تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای بهبهانی

بهبهانی - در ضمن تصویب قانون اعتبار ده هزار تومان برای دست گیری اتباع ایران که در بین النهرین متوقف هستند یعنی برای توزیع تذکره و راهنمایی بآنها اینجا يك تبصره تصویب شد. تبصره که اینجا تصویب شد البته از روی احساسات آقایان نمایندگان راجع به حفظ تبعه ایران و حفظ آسایش آنهاست که در بین النهرین هستند خیلی بموقع و بجا بود ولی متأسفانه این تبصره هیچ استثناء ندارد اصل تبصره این است: مادام که مناسبات ما بین ایران و عراق روشن و ابراینها در آنجا همه گونه مرفه نشده اند تذکره برای رفتن به عراق عرب به احدی داده نخواهد شد. این لفظ احدی شامل حال همه گونه اشخاص خواهد شد حتی همین اشخاصیکه دولت میخواهد برای رفاهیت حال آنها بفرستد. علاوه بر این بنده تصور میکنم آقایان برای حفظ آسایش و ترفیه

حال آنها این تبصره را تصویب کردند در حالتیکه این تبصره تصویبش به حال يك عده دیگر مضر است و آسایش آنها را سلب میکند. يك عده دیگری از اتباع ایران هستند که در بین النهرین متوطن هستند و الان که این تبصره تصویب شده آنها برای زیارت و غیره به ایران آمده و فعلاً در ایران متوقف هستند و این اشخاص باید به محل اقامت خودشان برگردند و اگر بخواهیم از آنها جلوگیری کنیم که نروند به عراق عائله شان را چه نکنند؟ بخواهند بیایند اینجا استعدادش را ندارند. در هر حال يك عده مردم بیچاره که در بین النهرین و عراق توطن اختیار کرده اند الان بلا تکلیف در ایران مانده اند و بموجب تبصره که تصویب شده به آنها تذکره داده نمیشود. بعلاوه يك عده در سرحدات از قبیل خوزستان و بنادر میباشند که اهل معامله هستند و اغلب مرادده تجارانی با آنها دارند و اگر مرادده آنها برای اهالی بین النهرین نافع باشد برای اهالی ایران هم نافع است و نمیشود جلو تجارت آنها را گرفت. ولی تبصره میگوید به احدی تذکره داده نخواهد شد. پس اگر بکنفر از بوشهر یا از خوزستان برای امر تجارانی خواست برود به بین النهرین این تبصره جلوگیری میکند. چنانچه الان هم معمول است و آقایانیکه از اهل آنجا هستند میدانند مردم صبح از خوزستان میروند به بصره و عصر بر می گردند و جلوی آنها را نمیشود گرفت و این تبصره به نحویکه نوشته شده جلو اینها را میگیرد و به هیچ يك از اینها باید اجازه داده نشود لهذا بنده و جمعی از آقایان تبصره پیشنهاد کرده ایم و ضمناً تقاضا کرده ایم به قید دو فوریت امروز در مجلس مطرح شود و نما میکنم قبل از دستور مطرح شود.

رئیس - باید رأی گرفته شود که این مسئله جزء

دستور بشود یا نه؟ آقای دادگر

بهبهان - تبصره قرائت شود. بعد اگر آقایان اظهاری دارند بفرمایند.

(تبصره مزبور به شرح ذیل خوانده شد)

تبصره ثانی - مدلول تبصره فوق شامل اشخاصیکه ساها در بین النهرین متوطن و موقتاً به ایران مسافرت نموده اند و اشخاصی که فقط برای عبور از بین النهرین به نقاط دیگر مسافرت می نمایند و سکنه نقاط سرحدی که برای کسب و حوائج شخصی به نقاط نزدیک سرحدی بین النهرین ایاب و ذهاب می نمایند و همچنین شامل مأمورین دولتی نخواهد بود. بهبهان - بروجردی - موقر - مدرس ...

رئیس - قبلاً باید معلوم شود که این مسئله جزء دستور بشود یا نه ؟

دادگر - بنده گمان کردم فوریت مطرح است ولی اینجا که آمدم تذکر داده شد که مذاکره راجع به این است که در دستور گذارده شود یا نه ؟ ولی چون با فکر قبلم ملایم است میتوانم عرض کنم که با خود مطلب مخالفم با فوریتش هم حتماً مخالفم. برای اینکه اینگونه مطالب بایستی بیشتر درش بحث شود. اما اینکه داخل دستور باشد یا نه. این را مانجریه داریم قضایائی که بهم ارتباط دارد هر قدر از وسط پاره شود اعاده به ماقبلش يك گرهی تولید میکند. بنده دو چیز است که متذکر هستم و کراراً میخواستم عرض کنم حالا عرض میکنم اولاً دستوری که مطرح میشود شخص در آن باب فکر میکند مطالعه میکند و مهیا میشود که در آن خصوص بحث کند وقتی که این دستور تغییر میکند بری امر جدید مهیا نیست و آن امر قدیم را که در آن ورزش کرده باید ترك کند و باید در يك امر غیر مترقی وارد شود که هیچ مهیا نیست. آن چیزیکه مطرح است قطع کردن و يك چیزی را در خلال آن گذراندن ضرر دارد. بعلاوه همیشه مردمان مصمم باید در تصمیمشان فترت پیدا نشود. وغالباً وقتی قضایا لون لون و متنوع میشود تضعیف میکند اراده را. موضوع بلدیه مطرح بود همه آقایان

هم در این باب تعلق دارند زیرا قضیه قضیه ملی است و در عداد انتخابات مجلس شورای ملی است این قضیه مطرح است در این بین ها این مسئله را ترك کردن و يك قضیه نوی را مطرح کردن در هر دو ضرر میبریم زیرا در این قضیه غیر مترقبه که درش بحث نکرده ایم و فعلاً بنظر بنده می آید که قابل قبول نیست پس از مطالعه و بحث شاید صلاح باشد که قبول کنیم ولی فکر بدوی بنده این است که خوب نیست. و برای نایب نظر آقای بهبهان که فکرشان قابل قبول باشد به ما زمان بدهند که در این قضیه بحث کنیم و شاید در جلسه بعد برای این قانون بیشتر مهیا باشیم.

رئیس - آقای شیروانی مخالفید ؟

شیروانی - بلی.

رئیس - آقای دشتی

دشتی - اصلاً فوریت یعنی چه ؟ یعنی لوابجی که اگر به تاخیر افتد ضرر دارد تقاضا میشود با قید دو فوریت تصویب شود. یکی از قوانین که به عقیده بنده کاملاً دو فوریت در آن ثابت است همین لایحه ایست که آقای بهبهان پیشنهاد کرده اند. و روزی که ما به این تبصره رأی دادیم به این عنوان رأی دادیم که مسافری که از ایران فعلاً میخواهند بروند به بین النهرین نگذاریم. هیچ يك از ما غرض نداشتیم به اینکه اگر يك نفر بخواهد از آنجا عبور کند نگذاریم یا اینکه يك نفر ایرانی که در بین النهرین متوطن است و آمده است به ایران نگذاریم به آنجا رود. خیرمقصود ما این بود بواسطه نظر سوئی که در بین النهرین نسبت به ایرانیها اتخاذ کرده اند نگذاریم ایرانیها آنجا بروند تا تکلیف ما با آنها روشن شود. غالباً دولتهای قانون فهم باید روح قانون را بفهمند و به آن عمل کنند. اما دولت در اینجا مطابق روح قانون عمل نکرده است و جلو همه را گرفته است. بنده خودم از اشخاصی هستم که به این قضایا مبتلا شده ام یعنی يك عدّه

زیادی که از بین النهرین آمده اند بروند مشهد حالا که بر کشته اند میگویند به شما اجازه داده نمیشود. این تبصره که پیشنهاد کرده اند به منزله تفسیر است و مخالف با فرمایشات آقای دادگر هم نیست. به این معنی که لایحه بلدیه هم همین امروز مطرح خواهد شد برای این که این تبصره اینقدر طول و تفصیل ندارد زیرا تمام مقصود این بوده است که زوار را منع کرده باشند و اشخاصی که بان قانون رأی داده اند هیچ غرض دیگری نداشته اند ما هم حالا آن قانون سابق را تفسیر میکنیم. بنا بر این خوب است اول این را مطرح کنیم و پس از ده پانزده دقیقه دو مرتبه قانون بلدیه مطرح شود.

رئیس - رأی گرفته می شود که این تبصره جزء دستور شود. آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. مذاکرات راجع به فوریت قسم اول است. آقای مدرس مدرس - بنده موافقم. رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - روزیکه این تبصره از طرف آقای نامداد پیشنهاد شد و مجلس هم با يك احساساتی قبول کرد و رأی داد نه اینکه ما میدانستیم بعد از گذشتن این تبصره که در مملکت ما کمتر این قبیل قوانین سابقه داشته و بطور عادی اجرا شده در جرائد و اخبار چیزها خواهیم خواند. بی سیم ها و باسیم ها اطلاعات خواهند داد و بالاخره روزنامه های امروز را هر کس خوانده باشد میداند رویت هم خبر داده است که این قضیه در عراق سوء اثر کرده و وضعیت آنجا را تکان داده است ما البته این را میدانستیم که این چیزها در عقب این تبصره هست ولی خوب بالاخره مجلس هم از نقطه نظر حفظ مصالح مملکت و سیاست خارجی این مملکت و حفظ

حیثیت يك مشت ایرانی که با آنها معامله حیوانات در بین النهرین میشود و بالاخره مجلس بنام ایرانیت این تبصره را گذراند. و در اینجا يك اشکالات خیلی مختصر که این را بعقیده بنده در عمل و با مذاکره مأمورین وزارت خارجه کاملاً قابل حل است يك همچو اشکالات مختصر را آورده اند تحت عنوان استثناء و عباراتی که در اینجا نوشته شده است طوری است که همه کس میتواند برود حتی زوار. حالا زوار حالا بنده ثابت میکنم. آقای بهبهان فرمودند يك عدّه ایرانی در آنجا متوطن هستند و به عنوان مسافرت آمده اند به ایران اینها میخواهند مراجعت کنند. سند توطن آنها در آنجا چیست ؟ در سرحد يك نفر ایرانی لباس بین النهرینی مصادف میشود با مأمورین ما و میگویند من در بین النهرین توطن دارم چند نفر از زوار را هم به شهادت میآورد که من در آنجا متوطن هستم. توطن یعنی چه ؟ یعنی در آنجا ملك و علاقه و خانه داشته باشد این را ما توطن حساب میکنیم و الا يك نفر ایرانی که رفته است پانزده سال در آنجا خانه کرایه کرده و نشسته در صورتیکه باید بیایند در این مملکت زندگانی کنند این را بنده توطن نمیدانم. ما میخواهیم این توطن را تغییر بدهیم. ایران باید در وطن خودش زندگانی کند. آن مقوطنی را که آقا میفرمایند اسباب اشکال است آن مقوطنی است که در آنجا ملك و علاقه دارد. این را در سرحد یا چه سندی میتوان ثابت کرد ؟ ...

آقا زاده خراسانی - باندکره

شیروانی - در تذکره مینویسد او در آنجا ملك دارد! باغ دارد! چند جریب زمین دارد! خیر فقط در تذکره نوشته میشود این شخص ایرانی است که آمده است در عراق یا ایرانی است که میخواهد برود عراق. بنا بر این در تحت عنوان توطن که يك کلمه کس داری است ده هزار نفر زوار خواهند رفت. فرمودند که يك عدّه نجار و کسبه لاعلاج هستند همه روزه از

محرره بروند به بصره آقای موقر هم فرمودند صحیح است ما میخواهیم جلو همین را بگیریم. ما میخواهیم پولهای محرره در بصره خرج نشود. ما میدانیم در بصره هتل های شیک و تآثر های عالی هست تمام وسائل تفریح هست ولی ما نمیخواهیم پولهای محرره در بصره صرف این کارها بشود. میخواهیم پولهای بصره به محرره بیاید...

موقر - خیر پول بصره میآید به محرره. شما اطلاع ندارید. من در کار هستم میدانم.

شیروانی - بنده هم تصدیق میکنم که شما يك تجارتي دارید بين محرره و بصره والبتة منافع شخصی نان اقتضا میکند از اینکه دفاع بکنید ولی بنده از نقطه نظر عموم و از نقطه نظر مملکتی عرض میکنم که اگر پنجاه نفر صد نفر دو بیست نفر تاجر ما هم فدای این قانون بشوند ما باید این قانون را در مقابل آن قانون مشومی که برای ما گذرانده اند بگذرانیم و مجلس ایران صلاح نیست اینطور سستی بکنند در مقابل فشاری که در تحت عنوان قانون به گردن ایرانیها وارد آورده اند و باید قانونی را که برروز مجلس با آن احساسات گذرانند حفظ کرد. قانونی که در آنجا گذرانده اند قانون جزیه است جزیه که ایران همیشه از دنیا میگرفته حالا از ایرانی میخواهند بگیرند!! با تبعه سوریه با تبعه شامات با تبعه کوچکترین دولت تحت استعمار این عمل را که با ایران ما میکنند نمیکند ایرانی در آنجا از حیوان پست تر شده!! مع هذا من میدانم با اینکه بچهار نفر تاجر ضرر میخورد بنده میگویم صد نفر تاجر مهم هم که پایمال شوند و سیاست مملکت محفوظ بماند بهتر است...

بهبهانی - این مذاکرات راجع به فوریت نیست.

شیروانی - آقا هم راجع به مطرح شدنش خیلی مذاکره فرمودید...

بهبهانی - بله راجع به مطرح شدنش باید گفته شود.

شیروانی - بنده هم البته راجع به فوریتش باید عرض کنم. بنده عرض میکنم این تبصره که برروز در مجلس بتصویب رسید برای چیست؟ برای سیاست ایران و بالاخره برای حل شدن همان اختلافاتی که اصلاً بنده حالا نمیدانم صلاح است که ما در آن خصوص ها حرف بزنیم یا نه؟ و بنده شخصاً زدید دارم بهر حال يك چیز هائی موجب شده است که ایرانی ها در آنجا بيد بخنی افتاده اند. پس بگذارید چهار ماه شش ماه يك صدمان ایرانیها بخورد و يك خسارانی بتجار سرحدی بخورد برای اینکه سیاست این مملکت پیش برود و بالاخره با يك خبر رویتر هم ما از میدان در رویم.

رئیس - آقای مدرس

مدرس - بعضی سابقه ها بفرموده آقای رئیس خوب نیست ولیکن سابقه این شده که در مذاکره راجع به فوریت داخل در ماهیت موضوع هم باید شد. لهذا چاره نیست و شخص بنده مجبورم يك حرفی بگویم شاید يكسال دو سال دیگر باید بزنم بجهت این پیش آمد حالا بزنم عقیده من این است که تمام ایرانیها که در مکه و مدینه و در عراق عرب بلکه تمام جاهای دیگر هستند باید قطع علاقه بکنند و بیایند بایران. این عقیده شخصی من است عرض کردم که مجبورم حالا بگویم و حال آنکه حالا بگذردی زود است. عقیده من این است که تمام ایرانیها که در آن خاکهای متبرکه و در آن امکانه مجاورند اگر صاحب ده کرور هم هستند باید علاقه شان را بردارند بیایند و اگر ممکن نشد باید خودشان بیایند و مسلم است که این عقیده من برای چیست. برای این است که در ایران دیانت و مراتب شخصی و شرافت بهتر از همه جا میتواند برای ایران محفوظ بماند و در جای دیگر نمیتواند آقای شیروانی نمیدانم سفر کرده اند یا نه؟ ولیکن بنده خیلی سفر کرده ام. در خاك زكیه، حجاز، بئر، در عراق، شام ایرانیهای که هستند عقیده ام این است

که باید همه بیایند بایران. عقیده ام را عرض میکنم البته عقیده بیان سیاسی است. وقتی که بیان شرعی هم شد بموقع عرض خواهم کرد. باوجود این عقیده که دارم این تبصره را که آقای بامداد پیشنهاد کردند به فوریت مثل باقی چیزها بموقع خودش مذاکره نشد و باید بیشتر در اطرافش مذاکره شده باشد ولیکن همانطور که فرمودند بواسطه احساسات يك مسئله که بنظر وکلای محترم میغوض باخوب بیاید نمیتوانند جلو خودشان را بگیرند. وقتی که این قبیل مطالب پیش میآید بی اختیار می شوند. چون در اطراف مسئله مطالعه نشده رأی داده شد و بنده عرض کردم تأمل کنید و تأمل نکردند حالا موافقم با آقا و چون آن مسئله به فوریت گذشته است این بیان هم که تفسیر آن است باید به فوریت بگذرد اصل مسئله باید زیاد تر از این درس فکور بشود و منقح تر بشود تا اینکه انشاء الله موفق بشوید بان عقیده که بنده عرض کردم و بنده فرق نمیگذارم بین فقیر و غنی و ده ساله و بیست ساله و یکساله. عقیده ام این است که همه باید بیایند ولی تصدیق می فرمائید که حالا در اینجا يك محظوران است. مأمورین دولت هم محظور دارند. گرچه بنده در این موضوع هم شاید بکوفتی حرف داشته باشم و موافق نباشم که اصلاً مأمور از طرف دولت بآنجا رود اما نه حالا...

شیروانی - الان موقعش است.

مدرس - سرحدی ها هم شما ملتفت نیستید یعنی چه یعنی آنهایی که يك فرسخی دو فرسخی هستند. صبح باید بروند آنجا. شب بیایند اینجا. باین جور نمیشود جلوگیری کرد. یکی و دو تا و صد تا و هزار تا هم نیست. اختصاص به بصره و محرره هم ندارد. در حدود سرحدی شاید همه روزه پنجاه نفر از اینطرف میروند آنطرف و پنجاه نفر از آنطرف می آیند اینطرف و این ماده شامل همه آنها میشود و همینجوری که بعضی آقایان فرمودند ما مراد خود مان را تفسیر می کنیم، لهذا

چون آن اصلش به فوریت گذشته است این تفسیرش هم باید به فوریت بگذرد و الا من کلیه با فوریت موافق نیستم ولی چون آن به فوریت گذشته است تفسیرش هم باید به فوریت بگذرد اما در اصل مسئله باید مطالعات کرد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - مشهور است (بنده نمیخواهم مفصل عرض کنم) که آقای مدرس یکی از ناطقین زبردست هستند يك مسئله را که میگویند اول میگویند من مخالفم. يك ایرانی نباید آنجا باشد. اما اینجا که رسید. خیر همینطوری که میگویند ناطقی بوده است در رم که چه کرد. نطق کرد و يك دفعه منقلب کرد. بعینه بیانات آقای مدرس هم همانطور است. اول خرده خرده ما را وارد میکنند بعد بکمربته نتیجه را گردن ما بار میکنند. آقا این ملت يك روزی باید جدی بشود و قدمهای جدی بردارد آن روز کی است که ما باید جدی بشویم؟! آقایان نمایندگان: والله ما رفته بودیم در بغداد اهالی بغداد بما سنك میزدند!! میگفتند ایرانیها مثل ملخ مصری ریخته اند بارزاق ما!! بگذارید يك قانون صحیحی از مجلس بگذرد يك قانونی که ایرانیها را نجاف بدهد از مجلس بگذرد امروز يك قانون وضع میکنیم به مجرد اینکه فی الجمله در بازار بغداد يك جزئی اختلافی پیدا میشود آنوقت است که در تحت نظر دیپلمات آقای پاك روان يك تبصره درست میشود و می آید!! آقا: مطابق این تبصره کیست که نمیتواند برود؟! مگر کلاغها نتوانند بروند!! تمام آن نظریات که ما داشتیم همه بر کشت میکنند! حالا از آقای مدرس تقاضا میکنم که بگذارید فوری نباشد و برود به کمیسیون خارجه یا اقل بعد از تنفس بفرمایند که ما در تنفس بگذردی مطالعه بکنیم بعد بر گردد شما که میگویند فوریت بد است. چطور در اینجا بد نیست بگذارید لا اقل برای بعد از تنفس و باین عرض بنده موافقت کنید.

مدرس - بسیار خوب باشد برای بعد از تنفس

رئیس -- پیشنهاد کنندگان ابرای ندارند که بماند برای بعد از تنفس ؟

پهپهان - خیر بماند برای بعد از تنفس

رئیس -- پیشنهاد دیگری راجع بدستور رسیده قرائت میشود .

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم خیر کمیسیون معارف راجع بقانون طبابت اول دستور گذارده شود دکتر طاهری

رئیس -- آقای طاهری

دکتر طاهری - قانون طبابت مشتمل بر سه ماده است گرچه قانون بلدی در دستور است ولی این قانون طبابت که مشتمل بر سه ماده بود گذشته ولی بر حسب يك پیشنهادی که آقای تقی زاده فرمودند و قابل توجه شد ماده اولش ماند که به کمیسیون رفت . کمیسیون هم راپورت داده . بهتر این است که این يك ماده که باقی است امروز تکلیفش معلوم شود که این قانون تمام شود لهذا بنده پیشنهاد کردم اول این مسئله جزو دستور بشود که این کار تمام نماند بعد چیز دیگر مطرح شود

رئیس -- آقای دادگر

دادگر - عرض کنم اگر بنده در اینجا ساکت بمانم مثل این است که امان به حرفهای خودم ندارم زیرا عرض کردم يك قانونی که مطرح است اگر آن قانون از دستور خارج بشود عبور از آن قانون به قانون دیگری که فکر انسان مهیا نیست مثل همین قضیه میشود که الان مطرح بود . یعنی بنده به آقای مدرس عرض کردم بالاخره شاید هم صلاح باشد . ما لجاج نداریم در امور مملکتی . ولی غیر مترقب است برای ما و باید در مقابل این قضیه بحث کنیم و شور کنیم اگر چه قضیه معارف است و مشمول آن قاعده کلی هم نیست زیرا سابقه دارد و مرکوز ذهن هست ولی با وجود این بنده لازم میدانم برای تأیید نظر خودم

عرض کنم که معتقدم قانون بلدی مطرح شود تا آن يك ماده را هم که آقای تقی زاده اظهار نظر کردند مطالعه کنیم گرچه جزء اسناد توزیع شده ولی مطالعه نشده خوب است آنرا بگذارند برای بعد از تنفس که مطالعه کنیم و بالاخره این فاصله را که مهیا هستیم برای قانون بلدی و مهیا نیستیم برای کارهای دیگر این فاصله را در بهترین موقعش صرف کنیم و آنوقت برویم سر آن کارهای معارفی

وزیر معارف - آقای دادگر خوب مسبقند که این لایحه دو مرتبه در مجلس نحت شور و مطالعه قرار گرفته و چند ماده اش در شور نان تصویب شد فقط يك ماده بر حسب پیشنهاد آقای تقی زاده که قابل توجه شد ارجاع به کمیسیون شده و کمیسیون هم چندین روز است که راپورتش را تقدیم مجلس کرده است و مذاکرات هم در اطراف آن ماده زیاد شده پیشنهادات زیادی هم تقدیم شده بود در موقع شور دوم و مجلس تکلیف آن ها را معین کرد و بنا بر این تصور میکنم بقدر دو سه دقیقه بیشتر وقت لازم نداشته باشد و بنده خودم هم شخصا کمال علاقه مندی رادارم به لایحه قانون بلدی که هرچه زودتر این امر مهم را که واقعا یکی از خدمات بزرگ ملی در ایندوره اصلاح همین قانون است این را مجلس مقدس انجام بدهد ولی چون آن هم يك ماده بیشتر نیست و توزیع هم شده و آقایان هم البته مطالعه کرده اند مقتضی است که آقای دادگر هم این دوسه دقیقه را موافقت بفرمایند تکلیفش معین شود .

رئیس -- رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای دکتر طاهری آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند (اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد . ماده اول قانون طبابت قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده اول - اطبائی که تاکنون موفق یاخذ اجازه نامه رسمی نشده اند چنانچه مدلل دارند مدت ده سال متوالی مشغول طبابت بوده اند می توانند در مجلس امتحانی در وزارت معارف و مراکز عمده ایالات و ولایات (با عضویت اطباء دیپلمه و اطباء مجاز در طب قدیم) تشکیل خواهد شد امتحان دهند در صورتیکه امتحانات آنها مورد قبول واقع شود اجازه نامه طبابت در ولایات و قصبات و بلوکات بآنها داده خواهد شد و فقط در حدودی که بآنها اجازه داده شده حق طبابت خواهند داشت .

رئیس -- آقای بامداد

بامداد - بنده با این قانون موافق بودم و بسیار هم خوب قانون است و آن پیشنهادی را هم که آقای تقی زاده فرموده بودند موافقت کردم بعد دیدم يك اجباری پیش می آید . اگر چه کمیسیون آن پیشنهاد را تغییر داده و آن اجبار را برداشته معذالك لفظ ایالات را ندارد و بیشتر گرفتاری هم که آقای وزیر معارف میدانند در اطبائی است که در ایالات هستند و غیر مجاز هستند یعنی تسامح کرده اند که در مدت آن قانون اجازه بگیرند و متصل بوزارتخانه و رؤسای معارف مراجعه می کنند و این قانون هم در تعقیب مراجعات آنها پیشنهاد شده . این است که بنده استدعا دارم يك لفظ ایالات اضافه شود با توضیحی بدهند که معلوم باشد مثلا يك اشخاصی هستند که چهار سال پنجاه سال است طبابت کرده اند در شیراز مشهد تبریز حالا اینها را نمیشود مجبور کرد که بروند قراء و قصبات یا یکی از ولایات تابعه زندگان کنند شاید برای آنها فایده نداشته باشد آن وقت نتیجه این است که هم آنها محروم بمانند و هم مردم از استفاده علم آنها محروم باشند .

مخبر - در مقدمه این خبر اگر ملاحظه بفرمائید این نظر نامین شده است برای اینکه نظریه پیشنهاد

کننده هم این بود که چون اطباء غالبا در مرکز تجمع می کنند جلوگیری شود از آنها و مقصود از این ماده فقط این است که مرکز مستثنی باشد شیراز را هم که مثل زدید شیراز شهر است اینجا نوشته است در ولایات و قصبات میتواند طبابت کند . ایالات هم مرکب هستند از يك شهر یا چند شهر و طیب در تمام آنها میتواند طبابت کند . مقصود از این پیشنهاد استثناء مرکز است رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده گاهی حقیقه نگاه می کنم روزنامهجات مینویسند در آلمان قانونشان سه شوری است خیلی تمجید میکنم . الان بنده يك نظری برام پیدا شد . بواسطه خاطر این مسئله است که این راعرض میکنم یعنی توجه میدهم که قانون بمعرض ورزش فکری بیاید . الان در این ماده که نوشته اطبائی که ده سال طبابت کرده اند میتوانند وارد مجلس امتحان بشوند اگر مناط مسئله امتحان است که در ایالات و ولایات و مراکز تشکیل میشود پس مناط نفس طبابت نیست . مناط امتحان دادن در آنجا است . پس اختصاص دادن بده سال دلیلش چیست ؟ ده سال چه مدخلیت دارد ؟ برای اینکه آنچه که در دادن اجازه مدخلیت دارد امتحان دادن در مجلس امتحان است پس بنده با ده سال مخالفم بواسطه اینکه يك نفر آدم خوش قریحه است پنج سال که تحصیل کرده ممکن است بیاید در مجلس امتحان امتحان بدهد و مجلس امتحان او را بمتحن میداند با اجازه میدهد این است که بنده با ده سال مخالفم زیرا مناط نفس گذشتن زمان نیست . امتحان دادن در مجلس امتحان است . این اولاً و ثانیاً این نظری را که آقای تقی زاده فرموده بودند و در اینجا کمیسیون آمده است يك ترتیبی داده است بنده خواستم عرض کنم که اصل این نظر غیر وارد بوده است برای اینکه کسی که در دهات است مثلا توپسرکان یا آباده با جای دیگر . و می آید در شیراز که مرکز

آنجاها است امتحان میدهد حالا ما که این قانون را می نویسیم که او وقتی امتحان داد و اجازه گرفت حق طبابت کردن در آنجا را دارد ولی در مرکز ندارد من این را حقیقه نمیتوانم تحمل کنم چرا؟ گرچه نظر پیشنهاد کننده و نظر کمیسیون این است که آنها در مرکز مجتمع نشوند و به دهات هم بروند اما بوی این می رود که ما قصابات و ولایات را بمنزله مستعمره مرکز قرار دهیم یعنی آنهایی که در آنجا طبابت می کنند در مرکز نتوانند طبابت کنند. مثل دکترهای فرانسه که اول باید بروند مراکشی ها را نابود بکنند بعد بیایند به پاریس. اینجا هم مثل این است که بگویند اول باید در مستعمرات بروند امتحان بدهند بعد از آن که از عهده امتحان آنجا بر آمدند می توانند در شهرها بیایند بنده این را عقیده ندارم. این لفظ تعبیر می شود که در قصابات و شهرها اجازه دارند ولی در مرکز ندارند. یعنی چه؟ یعنی برای وجود ما مرکزی ها باید يك اطباء ممتحنی باشد گرچه نظر پیشنهاد کننده این بود که همه رو بمرکز حمله نیاورند ولی این سوء استفاده ازش میشود بنده جداً مخالف آن هستم و باید ده سال هم مخالف هستم.

مخبر - اولاً موضوع ده سال و پنجسال در شور اول و دوم هم مکرر مذاکره شد جواب هم داده شد معذالك باز عرض میکنم علم طبابت بر طبق قوانین جاریه هفده سال دوره تحصیلش است که شش سال در مدرسه ابتدائی و شش سال در مدرسه متوسطه (اگر رفوزه نشود) و پنج سال در مدرسه طب بعلاوه آنچه که باید در مریضخانه ها عمل کنند و همینطور هم قانون گذشته است و مجری هم هست اشخاصی هم هستند که زحمان کشیده اند و بعد از هفده هیجده سال زحمت بالاخره دیپلم گرفته اند و مشغول طبابت شده اند و البته همانطور که علم طب يك علم محترمی است چون جان تمام مردم در دست اینها است بایستی که با حذاقت و با علم باشند

نظر به این که این طور اشخاص بقدر کفایت و بقدر لزوم در ایران وجود ندارد و نظر باینکه اشخاصی هستند که با معلومات قدیمه و تجربیات يك اقداماتی میکنند که چندین مضر نیست بعلاوه بواسطه نبودن طبیب دیپلمه بقدر کافی و احتیاجی که بوجود اینها هست دولت پیشنهاد کرده است که این اشخاص هم با يك انتخاباتی بهشان اجازه داده شود که طبابت کنند شرایط امتحان هم این است که ده سال مشغول طبابت باشند زیرا ملاک اجازه طبابت این اشخاص تجربه است نه تحصیل اگر تحصیل باشد که مطابق پروگرام مدرسه باید تحصیل بکنند و امتحان بدهند و دیگر باین قانون کاری ندارد این است که شرط کرده است ده سال طبابت کرده باشند که طبعی که اساسش تجربه است این تجربه را دارا باشند که بشود به آنها اطمینان کرد آنوقت نازه باید امتحان بدهند و اگر تحصیل کرده باشد دیگر مدت لازم نیست زیرا ممکن است دو سال طبابت کرده باشد ولی نتواند امتحان بدهد ولی چنین شخصی اگر بخواد امتحان بدهد باید مطابق پروگرام مدرسه طب امتحان بدهد. (علم هم لدنی نیست) ولی يك امتحاناتی است که بعضی مطابق معلومات قدیم و بعضی مطابق معلومات جدید تا حدود معینی باضمیمه آن تجربیات ده ساله اجازه داده میشود که طبابت کنند تا اینکه کم کم اطباء دیپلمه زیاد شوند و البته این هم يك قانونی نیست که دوامی داشته باشد و اما اینکه فرمودند تصویب پیشنهاد آقای تقی زاده ممنوع داشتن اینها از اقامت در مرکز و رفتن بولایات و قراء و قصابات این بر عکس است و در مقدمه خبر هم نوشته شده است منظور این است که ولایات و بلوکات و قراء و قصابات محروم از طبیب نباشند و آن ها هم بتوانند استفاده کنند و اما اینکه فرمودند اینها با هم فرقی ندارند بنده عرض میکنم فرقی دارند اشخاص تحصیل کرده و دیپلمه را با این اشخاص نمی

شود مقایسه کرد
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - پیشنهاد آقای تقی زاده قرائت میشود
(اینطور خوانده شد)
پیشنهاد میکنم بعد از عبارت (اجازه نامه طبابت در ولایات) کلمه (جزء) اضافه شود
رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - مقصود بنده از این پیشنهاد عین پیشنهاد سابق است که تکرار میکنم و مقصود از آن پیشنهاد هم در واقع همان کلمه جزء است که حذف کرده اند در صورتیکه پیشنهاد بنده در سابق قابل توجه شد و اکثریت مجلس به قابل توجه بودنش رای داد و البته این يك حکمتی داشته است و حکمتش این بود که ولایات کوچک و قصابات و بلوکات از طبیب محروم نمانند نه اینکه اطباء نمره اول در مرکز بمانند و در ولایات نیمه طبیب هم نداشته باشند و بنده گمان میکنم اطباء هم که اجازه نامه رسمی ندارند در مرکز کم است و غالباً در ولایات هستند ولی در بلوکات و قصابات طبیب که ندارند نیمه طبیب هم ندارند و مقصود این بود که يك کاری بشود که لا اقل اینها بموجب این قانون حق طبابت در رشت و اصفهان و این قبیل جاها نداشته باشند در ولایات جزء و قراء و قصابات حق داشته باشند. آقایان اعضاء کمیسیون لفظ جزء را حذف کرده اند حتی یکی از آقایان هم پیشنهاد کرده اند لفظ ابالات هم اضافه شود پس این تبصره تمام نتیجه اش باطل میشود که اگر يك با دو نفر طبیبی هم در طهران هستند و تصدیق نامه رسمی ندارند اینها را بفرستند بولایات. و این معنی ندارد در هر صورت مقصود بنده این بود که چنانچه عرض کردم يك کاری بکنیم که ولایات جزء هم طبیب برود و اگر غیر از این باشد تمام اطباء نمره اول حتی اطباء نمره چهار و پنج هم در مراکز ابالات و ولایات میمانند و به آنجاها هیچ نمیروند و آنجاها بدون طبیب میمانند و کارشان بدست دلاکها و پیره زنها

رئیس - پیشنهاد ایشان پیشنهاد جدیدی نیست. باید رأی قطعی گرفته شود میباید بعد از سایر پیشنهادها پیشنهاد آقای حاج شیخ بیات (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می کنم کلمه (ابالات) اضافه شود ما قبل (ولایات و قصابات)

رئیس - آقای بیات

حاج شیخ بیات - در عبارت این ماده اینطور نوشته شده در صورتیکه امتحانات آنها مورد قبول واقع شود اجازه نامه طبابت در ولایات و قصابات و بلوکات بانها داده خواهد شد کانه این جا ابالات استثنای شده است. بر حسب اصطلاح ما در ایران يك قسمت ابالات داریم بکسمت ولایات و يك قسمت هم قراء و قصابات و البته کسی که اجازه نامه طبابت گرفت باید حق داشته باشد که در ابالات هم طبابت کند اما این نکته که آقای تقی زاده فرمودند راجع باینکه باید کاری کنیم که حتماً طبیب به قصابات و بلوکات هم برود این خوب فکری است ولی بنده معتقدم که باید در صحیه مملکت يك بودجه قائل شد که کاملاً صحت دهان هارا تامین کند و البته میدانید که دهانی امروز بقدری مفلوک است که اگر ناخوش بشود و طبیب هم

باشد پول دوا ندارد پس وقتی این فکر عملی میشود که برای آن دهان عواندی باشد تا طبیب فرستاده شود ولی فعلاً نمیشود یک چنین تکلیفی را به اطباء کرد.

رئیس -- رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای حاج شهبخ بیات آقایان موافقین قیام فرمایند
(کسی قیام نکرد)

رئیس -- تصویب نشد. پیشنهاد آقای مدرس (مضمون ذیل قرائت شد)
پیشنهاد میکنم لفظ در ولایات و بلوکات و قصبات حذف شود.

رئیس -- بفرمائید
مدرس -- معنایش را که همه میدانیم اگر امتحان داد طبیب است و همه جا طبابت میکنند و اگر امتحان نداد که هیچ کجا طبابت نمیکند

مخبر -- این پیشنهاد را کمیسیون قبول میکند
رئیس -- پیشنهاد آقای بامداد (به ترتیب ذیل خوانده شد)
پیشنهاد میکنم لفظ (مرکز ایالات) قبل از ولایات و قراء و قصبات اضافه شود

بامداد -- دیگر مورد ندارد بنده استرداد میکنم
رئیس -- دو پیشنهاد است یکی از آقای تقی زاده که رای قطعی لازم دارد و یکی هم پیشنهاد آقای مدرس است که آقای مخبر قبول کردند. اول رای میگیریم به پیشنهاد آقای تقی زاده نسبت باضافه کلمه جزء بعد از ولایات آقایانیکه موافقت قیام فرمایند
(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد. رای گرفته میشود بماده اول باستثناء کلمه ولایات و قصبات و بلوکات آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(اکثر قیام نمودند)

بنا بر این حق انتخاب کردن را باید اشخاصی داشته باشند که آن املاک و اراضی متعلق به آنها است و نفع و ضرر بلدی هم بالاخره به آنها راجع میشود این است که بنده یک پیشنهادی هم تهیه کرده ام که اولاً آن کلمه به سواد که در اینجا قید شده است حذف شود و ثانیاً بر گردد به آنجا که اقلاً دو بست و پنجاه تومان و علاقه ملکیت داشته باشد و الا کسی که عوارض بلدی را نمیدهد و نفع و ضرری از این راه ندارد دلیل ندارد حق انتخاب داشته باشد

رئیس -- آقای عمادی
عمادی -- بنده غرضم نسبت به عبارت ماده ده این قسمت اخیرش که دو شق میکند که باید سواد فارسی داشته باشد یا لا اقل دو بست و پنجاه تومان علاقه ملکیت. دو شق کردن بسبب نزدیک همه جا هر شقی باید در فقدان دومی قائم مقام اولی باشد و این بموجب قانون منطق غیر متناسب است زیرا هر کدام شرط مستقلی هستند یا باید قائل شد که هر دو باشند یعنی هم سواد فارسی را دارا باشند و هم دو بست و پنجاه تومان را یا اینکه یکی را شرط زائد بدانیم مثل این که آقای شفق هم فرمودند در هر صورت با این را باید قید کرد یا آن را و هر دوش را بطور زدید بخواهیم قائل شویم غلط است و معنی ندارد

رئیس -- آقای دادگر
دادگر -- این قضیه مسئله ایست که جاری است وقتی که فکر شخص بیک قضایائی است و میخواهد از او منزع شود باز یک چیزی از آن باقی میماند قواعدی که در قانون سابق بلدیة برای اعضاء انجمن معین شده بود بکفدری مشکل بود و بالاخره کمیسیون اینطور صلاح دانست که بکفدری شرایط را باین ترتیب بیارند و آن منطقی که آقای کازرونی فرمودند: کسانی که در تأدیة پرداخت مالیات بیشتر سهمینند روی این کار هم بیشتر سهمین باشند صحیح است و آن بیانی که آقای عمادی

در این قسمت مردم زیرا اگر ما بخواهیم انتخابات بطور صحت اجرا شود یک مبادی اخلاقی و چیزهای دیگری لازم است که سواد چندان لزوم ندارد. بعلاوه این شرط یک عده مردم را از حق انتخاب محروم میکند. یک قید مضحک دیگری دارد و آن قید این است که دو بست و پنجاه تومان پول داشته باشد و اگر کسی حقیقة دو بست و پنجاه تومان پول داشته نباشد از یک چنین حقی محروم است این شروط مخصوصاً مال ملل اشرفی بوده است که بطور زادی سیون به بعضی ملل دیگر رسیده است که ما می بینیم آنها امروز شرایط انتخابات را کمتر میکنند و ما به عکس در قرن بیستم هم داریم شرایط زیاد درست میکنیم که بالاخره یک عده معدود و مختصری بیایند رای بدهند بنا بر این این قیود بعقیده بنده لزومی ندارد

میرممتاز -- (مخبر کمیسیون داخله) -- در ماده دوازدهم قانون سابق شرایط انتخاب کردن خیلی مشکلتر و سخت تر بود زیرا در آنجا مقید بود که انتخاب کنندگان باید خانه داشته باشند یا مستغل داشته باشند یا اراضی که قیمت آن هزار تومان باشد داشته باشد در کمیسیون وقتی که این موضوع مطرح مذاکره شد برای اینکه شرایط انتخاب را کمتر وسه لتر کرده باشند تمام اینها را تنزل دادند به دو بست و پنجاه تومان برای اینکه اشخاصی که عوارض بلدی را میدهند شرکت کنند در انتخابات این بود که کمیسیون این شرط را قید کرده

رئیس -- آقای دادگر
دادگر -- بنده موافقم
رئیس -- آقای کازرونی
کازرونی -- بنده مخالفم. بلدیة اصولاً برای اداره کردن اراضی و املاک بلد است و کارش این است. و آن اراضی و املاک البته متعلق به اشخاص است. عوارض هم از آنها گرفته میشود. تصرفانی هم که از طرف بلدیة در املاک و اراضی میشود مربوط است به صاحبان املاک و اراضی

رئیس -- تصویب شد. مذاکرات راجع بکلیات است مخالتی ندارد؟
(گفتند خیر)

رئیس -- رای میگیریم بقانون طبابت که مشتمل بر سه ماده است آقایان که تصویب میکنند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد
بعضی از نمایندگان تنفس
دشقی -- بنده با تنفس مخالفم
رئیس -- بفرمائید

دشقی -- عرض کنم که باید ما ببینیم از صبح تا حالا چکار کرده ایم ما هنوز کاری نکرده ایم عقیده ام این است قانون بلدی را مطرح کنیم تنفس کدام است.

رئیس -- آقای مدرس
مدرس -- بنده در قانون بلدی اجازه خواسته ام
رئیس -- راجع بتنفس کسی اظهاری ندارد
بعضی از نمایندگان -- خیر

رئیس -- ماده دهم قرائت میشود
(بشرح ذیل خوانده شد)
ماده ۱۰ -- انتخاب کنندگان باید شرایطی را که در ماده نهم قانون انتخابات مجلس شورای ملی مقرر است دارا بوده و بعلاوه باید سواد فارسی یا دو بست و پنجاه تومان علاقه ملکیت داشته باشد

رئیس -- آقای دشقی
دشقی -- بند، فقط یک تذکری را میخواستم عرض کنم که بقول آقای مدرس اینجا فرع زائد بر اصل است یعنی ما برای انتخاب و کلای بلدیة یک شرایطی قائل شده ایم که مهمتر از شرایط مجلس شورای ملی است اولاً سواد شرط شده است و بعضی ها هم عقیده دارند و بنده

فرمودند که از دو شق يك شق قبول شود یا هر دو شق باشد بالاخره نظر ما روی داشتن علاقه اوده است و علاقه هم با از راه داشتن سواد است و با از راه داشتن علاقه ملکی اینجا بنده نظرم است در موقعی که قانون نظام اجباری مطرح بود یکی از آقایان می گفت که کسانیکه مصلند معاف باشند و منطق بیان کرد که بالاخره اگر فرار کرد از نظام در يك مرحله دیگر از ترقی وارد میشود یا اینکه عیال بگیرد و در مملکت نفرت بیشتر میشود و بالاخره تشویق غیر مستقیم بآبادی مملکت میشود و شاید يك روزی بیاید که ما بتوانیم بگوئیم فقط با سواد ها رأی بدهند و بقول یکی از آقایان حالهای رأی نباشند و عاملهای رأی باشند و بنظر ما بکفایتی داشتن علاقه اهمیت داشت ولی اگر حالا ما به این مسئله لایالی باشیم در مسئله دوم که سواد باشد لا اقل باید مقاومت کنیم و این مسئله خودش يك تشویقی است برای اینکه وقتی که بیسوادها از مداخله در کارها باز مانده میروند عقب تحصیل اما راجع به انتخابات يك امر دیگری هست بنده می خواهم بعرض آقای دشتی برسانم و آن این است اهالی قراء و قصبه که غالباً بی سوادند مداخله دارند در انتخابات عمومی ولی در انتخاب بلدی منحصرأ اهالی شهر دخالت دارند و در شهر یافتن مردمان با سواد آسان تر است از یافتن مردمان با سواد در قراء و قصبهات خالا اگر قانون انتخابات از این حیث فعلاً مظلوم مانده است لا اقل خوبست در باب با سواد بودن اشخاصیکه در شهر ها اعضاء بلدی را انتخاب میکنند مقدم باشیم و شرط سواد کمال ضرورت را دارد و ما باید مردم را بتحصیل سواد دعوت کنیم و در شهر ها بقدر کفایت با سواد یافت میشود که از روی فهم و تشخیص انجمن بلدی را انتخاب و در این قبیل کارها دخالت کنند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

شروط مخالفم. و اساساً بنده عقیده ام این بود که وکلای مجلس شورای ملی با وکلای بلدی هر دو با هم انتخاب شوند باین معنی که مثلاً وکلای بلدی طهران از سیزدهم بیعده شروع شود تا هر قدر که لازم است و همینطور وکلای بلدی سایر شهرها از نمره بعد از وکلای مجلس شروع و انتخاب شود. و این ترتیب خیلی سهل و کم خرج تر است مقصود این است طوری شود که يك تخمیلی بر ملت بشود. امیدوارم آقایان با این پیشنهاد بنده موافقت فرمایند.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض میکنم همانطوریکه عرض شد کمیسیون در باب اینکه علاقه ملکی داشته باشند چندان مقاوم نیست ولی رأی داشتن سواد مقاوم است. برای اینکه کار متعلق است بشهر و در شهر هم صاحب سواد زیاد پیدا میشود. و خود این کار مشوق مردم است که در کلاسهای اکابر یا جاهای دیگر درس بخوانند و خواندن و نوشتن یاد بگیرند. از این شرط نفع حاصل میشود ولی ضرری حاصل نمیشود. برای اینکه مباشرت انتخابات در شهرها بقدر کفایت موجود است بنا بر این بنده عقیده دارم که پیشنهاد آقای فیروز آبادی را تجزیه فرمایند آنچه را که راجع بداشتن ملك است علیحده رأی بگیرید و آن قسمتی که راجع بداشتن سواد است علیحده.

رئیس - رأی میگیریم.

مدرس - آقا اگر اجازه میفرمائید بعد از پیشنهاد بنده باشد و الا اسباب زحمت خواهد شد.

رئیس - پیشنهادی که در این زمینه رسیده یکی از طرف آقای ملك آمد است و دیگری از طرف آقای احتشام زاده.

عمادی - بنده هم پیشنهادی کرده ام.

رئیس - راجع به دو بیست و پنجاه تومان است؟

عمادی - بلی

رئیس - آقای عمادی پیشنهاد کردند که جمله بعلاوه بعد حذف شود. پیشنهاد آقای فیروز آبادی تجزیه می شود. مدرس - همه پیشنهادها را بفرمائید قرائت کند رئیس - رأی قطعی نمیگیریم. رأی قابل توجه است اول رأی میگیریم به حذف علاقه ملکی دو بیست و پنجاه تومان آقایانیکه این قسمت را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده زیادی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه شد. حالا رأی گرفته میشود به قسمت ثانی. یعنی به حذف قسمت سواد. آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(معدودی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مدرس (بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم بجای ماده ده، یازده، دوازده، سیزده، چهارده، نوشته شود ماده دهم - شرایط و مواعع انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان انجمن بلدی در هر زمان و هر دوره همان شرایط و مواعع انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان همان زمان و دوره وکلای مجلس شورای ملی است تبصره - اعضاء اداری و مستخدمین جزء بلدی و اشخاصی که از موسسات خیریه بلدی اعانه میبایند از انتخاب کردن محروم خواهند بود.

رئیس - آقای مدرس

مدرس - عرض کردم انجمن های بلدی فی الحقیقه و نفس الامر اولاد های كوچك پارلمان است منتها این اولاد هائی كه تا كنون داشتیم تا خلف بودند حالا بمقتضای این قانون میخواهیم اولاد های خلف درست کنیم. واقع مسئله است اینست که میخواهیم انجمن های بلدی قانونی درست کنیم بطوری که افعال و اقوالشان را همه روزه نتوانیم تنقید کنیم شرایط این اولادها کامل تر از شرایط پدرشان نباید

باید قرضاً هم شرطی بخواهیم قرار دهیم. اول باید آن شرط را نسبت به پارلمان در نظر بگیریم بعد قهراً نسبت به بلدی هم ملحوظ خواهد شد. بنده پیشنهاد کردم شرایط و مواعید انتخاب انجمن های بلدی همان شرایط و مواعیدی باشد که برای انتخاب کنندگان انتخاب شوند. مجلس شورای ملی معین است آنوقت هر زمانی که برای انتخاب کنندگان وکیل مجلس يك شرایطی زیاد و کم کردیم در این قانون هم زیاد و کم میکنیم. در صورت مصلحت آن شرایط را در اینجا هم ملحوظ میکنیم با این شرط که کسانی که میخواهند وکیل انتخاب کنند باید سواد داشته باشند بنده موافق نیستم و این مواد ده یازده دوازده سیزده چهارده چیز عیلاً نمیکند فقط يك مسئله اش فلسفی است و آن این است که اعضاء اداری بلدی حق انتخاب کردن ندارند و این را هم بنده به عنوان تبصره پیشنهاد کردم و الا باقی شرایط همان شرایط و مواعیدی است که باید در موارد انتخاب کنندگان وکیل پارلمان معین شود منتهی چنانچه عرض کردم هر شرط و مانعی در قانون انتخابات کم و زیاد کردیم در قانون بلدی هم زیاد و کم خواهد شد. عرض دیگر اینکه سابق بر این ما که مقام ریاست را اشغال میکردیم چون به واجبات و محرمات نگاه میکردیم این قبیل قضایا را مقدم میداشتیم ولی آقای رئیس از باب احتیاط چون به مستحبات و مکروهات هم عمل میکنند لهذا این پیشنهاد به تأخیر افتاد. و اگر این مسئله اول عنوان میشد شاید همه موافق میشدند و موجبات رضایت همه حاصل میشد.

رئیس -- آقای دادگر

دادگر -- عرض کنم که بنده راجع به تشویق باسوادها شرحی عرض کردم و آقا راجع به پدر و پسر بیانی فرمودند در صورتیکه با اتفاق افتاده که پسری دانشمندتر از پدرش بوده است
مدرس -- باید است

بعلاوه ما که در مملکت تحصیل اجباری هنوز نداریم پس باید با يك ترتیبی و وسائل تحصیل و تشویق مردم را با امر تحصیل فراهم کنیم و از این طرق آنها را الزام کنیم که بروند و سواد تحصیل کنند. البته هر وقت که بمرور ما تحصیل را اجباری کردیم از این حرف ها مستغنی خواهیم شد ولی امروزه که نداریم در مورد انتخاب انجمن بلدی بهتر این است که يك تشویق هم از اشخاص با سواد شده باشد. باین معنی که مقتضی است مباشرت عمل را از اشخاص با سواد قرار دهیم بعلاوه بنده می خواهم به آقای مدرس يك اصلی را تذکر بدهم و آن این است که حضرتعالی پراسیپتان این است که در قضایا خیلی دقت میفرمائید و در صورتیکه ملاحظه فرمودید دلائل طرف يك ادله اساسی است از عقیده خودتان عدول می فرمائید. در انتخابات مجلس شرط سواد میسر نبود از این جهت ما اهمال کردیم ولی در اینجا که میسر است مباشرت انتخاب میل و اراده خودشان را روی کاغذ بیاورند چرا ما باید دریغ کنیم؟ خوب است بگذاریم مؤسسات ملی واقعاً از خود ملت ناشی شود. این مسئله بود که ما در این جا باید مذاکره و بحث کنیم. مجلس هم قیافه خودش را نسبت باین مسئله نشان داد و بحدف سواد رأی نداد.

بنا بر این حالا هم بنده از آنچه که مجلس رای داده دفاع میکنم. و مسئله را هم که بنده در شخص حضرت عالی تجربه دارم این است که شما هیچوقت عناد و لجاج در مسائل مطروحه ندارید و چنانچه عرض کردم وقتی مسئله را صحیح دانستید از عقیده نان عدول میفرمائید و این هم صفتی است که منحصر به شخص خودتان است و بنده مخصوصاً از شما استرحام میکنم که اجازه بدهید ما ملت را بداشتن سواد سوق بدهیم.

رئیس -- رای میگیریم. آقایانیکه پیشنهاد آقای مدرس را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.
(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه شد.

مدرس -- تبصره اش هم بود.

رئیس -- بله به پیشنهاد یا تبصره رای گرفته شد.

سایر پیشنهاد ها قرائت شود یا برود به کمیسیون؟

بعضی از نمایندگان -- بکمیسیون مراجعه شود.

رئیس -- بسیار خوب. بکمیسیون مراجعه می شود.

چند دقیقه تنفس داده میشود.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم

ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس -- آقای بهبهان

بهبهان -- چون همچو قرار بود که بعد از تنفس

راجع بان پیشنهادی که از طرف بنده و بعضی از

آقایان شد مذاکرات بعمل آید و مطرح شود. ولی

چون در خارج بین آقایان نمایندگان مذاکرات شد و

دور نیست توافق نظر حاصل شود لذا بنده با موافقت

آقایان رفقا تقاضا میکنم که این پیشنهاد ارجاع شود

بکمیسیون داخله -- اشخاصی را هم که لازم میدانند

در آنجا دعوت کنند و نتیجه را بمجلس اطلاع دهند

رئیس -- ارجاع میشود به کمیسیون داخله و اگر

وجود بعضی اشخاص را هم لازم بدانند دعوت کنند

(بعضی از نمایندگان -- صحیح است) ماده یازدهم

قرائت میشود.

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۵ - عده اعضاء هیئت نظار انجمن بلدی

هفت نفر و به ترتیب ذیل انتخاب میشوند: انجمن

بلدی بیست و يك نفر از معارف و معتمدین محلات

شهر را که دارای حق انتخاب شدن باشند یا اداره

حکومتی معرفی می نماید و اداره حکومتی بلافاصله از آن

ها دعوت نموده و بحکم قرعه هفت نفر از آنها برای

عضویت اصلی و هفت نفر دیگر برای عضویت علی البدل

معین میگردد.

بصره - در نقاطی که انجمن بلدی وجود نداشته باشد اداره حکومتی مدلول ماده فوق را اجرا و هیئت نظار در هر حال با حضور نماینده حکومت تشکیل میشود.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - مخالفت بنده با این ماده از دو جهت است یکی اینکه به عقیده بنده عبارت ماده خیلی مبهم است و آن این است که مینویسد: انجمن بلدی بیست و یک نفر را بحکومت معرفی میکنند. اگر اینطور باشد البته انجمن بلدی به اشخاصی را معرفی خواهد کرد که با نظریات خودشان موافقت داشته باشند و بنا بر این آن مقصود حقیقی که ما داریم از میان خواهد رفت. یعنی ما این عقیده را داریم که انجمن بلدی دارای هیچگونه احساسات خصوصی و شخصی نیست؟ و همچو فرض میکنیم که انجمن حتماً يك عده که طرف اعتمادند پیدا و معرفی خواهد کرد؟ اینطور نیست زیرا امروزه احساسات و نظریات شخصی را نمیشود از مردم زائل کرد. انجمن البته يك اشخاصی را معرفی خواهد کرد که با نظریاتش موافقت داشته باشند علاوه بر این بنده نمیدانم در اینجا چه فرق است بین قسمت نظارت اعضاء انجمن بلدی با نظارت نمایندگان مجلس؟ اینجا از مواردی نیست که ما قائل بفرق شویم.

ما میخواهیم يك عده که واقعا طرف اعتماد باشند بجهت نظارت در انتخابات معین کنیم. و بنا بر این همان شرائط و اوصافی را که ما در باره اعضاء انجمن نظارت وکیل مجلس قائل شده ایم باید در این جا هم قائل شویم. و بنده تصور میکنم اگر این طور باشد مسئله کاملاً بضرر مردم خانم پیدا خواهد کرد. عرض دیگر بنده این است که میگوید بحکم قرعه از ما بیست و یک نفر هفت نفر را تعیین کنند. خوب اگر قرعه بهتر است پس چرا خود ما رأی دادیم که انتخاب هیئت نظار انجمن های نظارت وکلاء مجلس به رأی مخفی بعمل آید؟ اگر رأی مخفی فلسفه ندارد پس چرا در مورد

و حکومت هم آنها را دعوت کند و هفت نفر عضو اصلی و عضو علی البدل هم بحکم قرعه معین شود. منتهی چیزی که هست این است که اگر انجمن بلدی در بعضی نقاط وجود نداشته باشد ممکن است حکومت این مسئله را بموقع اجرا بگذارد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

کازرونی - بنده مخالفم. کافی نیست.

رئیس - بفرمائید

کازرونی - ریشه اولی انتخابات انجمن نظارت است حالا در این ماده که راجع است بانجمن نظارت گویا وقت تنگ شده از این جهت آقایان میفرمایند مذاکرات کافی است.

خوب. اگر میدانید وقت ندارید منافات ندارد ممکن است برای جلسه بعد بگذارید بنده هم عرضی ندارم....

بعضی از نمایندگان - اینطور نیست.

کازرونی - و الا بنده استدعا دارم آقایان در اینگونه مسائل دقت بفرمایند و اجازه ندهند که بیشتر صحبت شود. آقای مخبر جواب بنده را ندادند فقط گفتند من نفهمیدم کازرونی چه گفت. اما من نفهمیدم چه گفتند و آقایان هم ملتفت شدند که شما جواب مرا ندادید پس بهتر این است که آقایان مذاکرات را کافی ندانند و اجازه ندهند مذاکره شود.

رئیس - رأی میکنیم به کفایت مذاکرات. آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (عده زیادی برخاستند)

رئیس - اکثریت است.

(پیشنهاد آقای ملک مدنی بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد مینمایم اشخاصی که برای نظارت بلدی دعوت میشوند از تمام طبقات مختلفه اصناف و تجار و غیره باشند.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - مقصود بنده از این پیشنهاد این بود در موقعی که انجمن نظار بلدی را دعوت می کنند از تمام طبقات باشند زیرا اولین قدمی که برای وکلای بلدی برداشته میشود همان انتخاب اعضاء انجمن است و غالباً هم تجربه شده هر چه که اعمال نفوذ در انتخابات میشود از همین قسمت انجمن است. معتمدین و معاریف محل ممکن است يك اشخاصی باشند که بنظر حکومت يك طرز دیگر بیاید علاوه در مسئله بلدی اصناف و تجار هم باید شرکت داشته باشند از این جهت بنده پیشنهاد کرده ام که از تمام طبقات و صنوف انتخاب شوند.

رئیس - رأی میکنیم به پیشنهاد آقای ملک مدنی آقایانیکه پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کثیری برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای زوار

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم عبارت (که دارای حق انتخاب شدن باشد) از ماده (۱۵) حذف شود

رئیس - آقای زوار.

زوار - عرض کنم اولاً بنده در این ماده پانزده يك اشکالی می بینم زیرا آن پیشنهادی که آقای مدرس فرمودند مشعر بر اینکه انتخابات انجمن نظارت بلدی انتخابات انجمن مجلس شورای ملی باشد به عقیده بنده اشکال دارد و نمیشود قبول کرد زیرا عده معاریف و معتمدین که دارای حق انتخاب شدن باشد آن حق انتخاب معلوم نیست که قبول میشود یا نمیشود. علاوه يك چیز زیادی است مینویسد (بیست و يك نفر از معتمدین محلات شهر را که دارای حق انتخاب شدن باشند) این قید زیادی است زیرا قبلاً نوشته شده است که به چه شرط باشد بنا بر این بنده پیشنهاد کردم که این عبارت زائد است

رئیس - آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - کجا می‌کنم این عبارت هیچ گنگی نداشته باشد و این پیشنهاد بی مورد است برای اینکه این جا نوشته شده است بیست و یک نفر برای تعیین نظر از بین آنها معین شود. البته باید شرایطی که برای انتخاب شهردکان معین میشود اینجا هم معین شود رئیس - رأی گرفته میشود به این پیشنهاد. آقایان که قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر.

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ترتیب انتخابات انجمن نظار بلدی همان ترتیب انتخاب اعضاء نظار وکیل مجلس شورای ملی باشد.

رئیس - آقای کازرونی

آقا سید یعقوب - ماده ۶۳.

کازرونی - اگر آقای آقا سید یعقوب اجازه میدادند و قدری آب روی آتششان ریخته میشد خوب بود. رأی که به پیشنهاد آقای ملک مدنی داده شد این بود که نه تنها از طبقه معارف بلکه از تمام طبقات امتدوعه معرفی شوند. و این پیشنهاد بنده هم منافاتی با آن مطلب ندارد. مطلب این بود که این بیست و یک نفر از معتمدین و از روی معرفی اداره بلدی باشد.

مدرس - انجمن بلدی.

کازرونی - و ایشان يك قدری توسعه دادند و گفتند از تمام طبقات باشد اما پیشنهاد بنده مربوط به این قضیه نیست. غرض بنده این است که اگر چنانچه این بیست و یک نفر به معرفی اداره بلدی شد.

مدرس - انجمن بلدی.

کازرونی - مثل این است که شما قبول کرده اید که وکلای انجمن بلدی از همان اداره بلدی که باید منحل شود یا تغییر کند منتخب شوند و بالاخره اشخاصی باشند

دائر بین دو قسمت است که با حکومت معرفی کند یا انجمن بلدی خارج از این دو مرحله نیست البته اگر ما انجمن را مدخلیت دهیم و شریک کنیم با حکومت این اصلح خواهد بود تا اینکه اختصاصاً بگوئیم تمام کارها را حکومت بکند.

کازرونی - بچه دلیل؟

حاج شیخ بیات - بدلیل اینکه بیست و یک نفر بهتر از یک نفر است.

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای کازرونی آقایان موافقین قیام فرمایند

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای بامداد

(اینطور قرائت شد)

پیشنهاد میکنم جمله بقرعه تبدیل شود به جمله (به رأی مخفی)

رئیس - آقای بامداد

بامداد - این پیشنهاد بنده توضیح زیادی لازم ندارد آقایان میدانند قرعه برای کار است که قابل حل نیست (القرعة لكل امر مشکل) در اینجا البته بیست و یک نفری را که دعوت میکنند اینها معتمد هستند این را بنده

تصدیق میکنم ولی در توی اینها بهتر و بدتر هستند ممکن است قرعه بنام آلهائی اصابت کند که بدتر هستند و بهتر ها از بین بروند این است که بنده پیشنهاد کرده برای مخفی باشد

مخبر - چون ماده ارجاع بکمیسیون شده تقاضا میکنم پیشنهادها ارجاع شود بکمیسیون

رئیس - تقاضای ارجاع بکمیسیون میفرمائید؟

مخبر - بلی

رئیس - پیشنهاد دیگر

(مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۵ بجای قرعه انتخاب مخفی نوشته شود (بهبهانی)

پیشنهاد میکنم هیئت نظار هر محل همان هیئت نظار انتخاب مجلس شورای ملی بوده باشند فیروز آبادی

رئیس - ماده با پیشنهاد ارجاع میشود بکمیسیون

جلسه را ختم میکنیم دستور جلسه آتیته لایحه مستمری مدرسین ساوجبلاغ. بعد قانون بلدی

(مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد)

قانون

راجع با اجازه نامه طبابت

مصوب ۲۸ شهریور ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده اول - طبائنی که تا کنون موفق باخذ اجازه نامه رسمی نشده اند چنانچه مدلل دارند مدت ده سال متوالی مشغول طبابت بوده اند میتوانند در مجلس امتحانی که در وزارت معارف و مراکز عمده ایالات و ولایات (با عضویت اطباء دیپلمه و اطباء مجاز در طب قدیم) تشکیل خواهد شد امتحان دهند. در صورتیکه امتحانات آنها مورد قبول واقع شود اجازه نامه طبابت بآنها داده خواهد شد و فقط در حدودیکه بآنها اجازه داده شده حق طبابت خواهند داشت

ماده دوم - طبائنی که از این بیعد بر طبق اینقانون اجازه طبابت میگیرند و دیپلم از مدارس طب دولتی داخله و خارجه ندارند حق استعمال کلمه (دکتر) نخواهند داشت

ماده سوم - وزیر معارف مأمور اجرای اینقانون است

اینقانون که مشتمل بر سه ماده است در جلسه بیست و هشتم شهریور ماه یکم هزار و سیصد و شش شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

حسین پیرنیا: رئیس مجلس شورای ملی